

جغرافیا و توسعه شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳

وصول مقاله : ۱۳۹۱/۷/۹

تأیید نهایی : ۱۳۹۲/۸/۲۱

صفحات : ۴۸-۳۱

بررسی میزان گسترش شهرهای کوچک و میانی در ایران

دکتر محمود قدیری^۱

چکیده

توسعه فراگیر و همه‌جانبه‌ی کشور، بطوری‌که همه‌ی افراد و گروه‌ها و نیز همه‌ی مکان‌ها و فضاهای آن را دربرگیرد، نیازمند ساختار فضایی و نظام سکونتگاهی متعادل می‌باشد. دستیابی به چنین تعادلی، نیازمند تقویت و توسعه‌ی شهرهای میانی و کوچک می‌باشد. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش عبارت است از اینکه: "میزان گسترش شهرهای کوچک و میانی استان‌های ایران در سال ۱۳۸۵ چقدر است؟" در پاسخ به سؤال مذکور، پس از بررسی میانی نظری، متغیرهای ارزیابی مشخص گردید و فرضیه‌ی تحقیق نیز مبنی بر توسعه‌ی بیشتر شهرهای کوچک و میانی در استان‌های نیمه‌ی شمالی- غربی کشور ارائه شد. برای ارزیابی مسأله و آزمون فرضیه‌ی تحقیق، در چارچوب روش توصیفی- تحلیلی، شاخص کلی "میزان گسترش شهرهای کوچک و میانی" استان‌ها با شش شاخص اصلی و بر اساس روش مجموع ساده‌ی وزین تعریف عملیاتی و قابل سنجش شد. داده‌های مورد نیاز نیز از طریق روش کتابخانه‌ای و وزن شاخص‌ها نیز از طریق روش AHP گروهی به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه نیز از طریق روش‌های آمار توصیفی و نیز آزمون t مستقل صورت گرفت. نتایج نشان داد که میزان گسترش شهرهای کوچک و میانی در استان‌های مختلف متفاوت است. معناداری تفاوت میان استان‌های نیمه‌ی غربی- شمالی با نیمه‌ی جنوبی- شرقی نیز تأیید شد. نتایج بیانگر وجود ارتباط میان میزان گسترش این شهرها با ویژگی‌های محیط طبیعی و نیز الگوی توسعه‌ی ملی و منطقه‌ای می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: شهرهای کوچک و میانی، استان‌های کشور، میزان گسترش.

مقدمه

- بیان مسأله

توسعه‌ی شهری بخشی از پدیده‌ی فراگیر دگرگونی اجتماعی به شمار می‌رود (گیلبرت و گالگر، ۱۳۷۵: ۱۰). بعلاوه، دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی با پیدایش نابرابری‌های جغرافیایی در سراسر جهان سوم همراه بوده است (گیلبرت و گالگر، ۱۳۷۵: ۵۸). چرا که تحت تأثیر تئوری‌های دهه‌های قبل از ۱۹۷۰ نظیر رشد نامتعادل هیرشمن و قطب رشد رستو، بیشترین امکانات در بزرگترین شهرها، که سریع‌ترین نرخ‌های رشد را داشته‌اند، متمرکز گردید (روزبهان، ۱۳۷۹: ۱۸۷-۱۸۵؛ شکویی، ۱۳۷۳: ۳۱۲ و ۴۶۹). این امر موجب ظهور مفهوم تقدم و تسلط شهری شده است (دراکاکیس - اسمیت، ۱۳۷۷: ۱۳). اما، شهرهای میانی در مقایسه با بزرگترین و کوچکترین شهرها رشد بالنسبه آهسته‌تری داشته‌اند. این‌گونه به نظر می‌رسد که شهرهای متوسط نقش ضعیف‌تری در نظام شهری ممالک آفریقایی و خاورمیانه بازی می‌کنند (راندینلی، ۱۳۶۸: ۴۸).

در ایران نیز در نیم قرن اخیر، شهرنشینی نفت و توسعه سرمایه‌داری در چارچوب اقتصاد متکی به نفت، سبب رکود بخش کشاورزی و رشد شهری گردید (رئیس‌دانا، ۱۳۸۱: ۲۳۲-۲۲۰؛ نظریان، ۱۳۸۸: ۱۴۶). سیاست تعدیل دهه‌ی ۱۳۷۰ نیز باعث تشدید شکاف توسعه‌ی شهری و منطقه‌ای گردید. حاصل این پویش، از میان رفتن نقش شهرهای کوچک و پیدایش شبکه‌ی شهری زنجیره‌ای بود (حسامیان و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۳۱؛ نظریان، ۱۳۸۸: ۱۵۶-۱۴۶). بطوری‌که شهرهای بزرگ، اکثر فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و مراکز تصمیم‌گیری را در خود جای دادند و الگوی توسعه فضایی "مرکز- پیرامون" شکل گرفت (گیلبرت و گالگر، ۱۳۷۵: ۶۴-۶۱).

بر این اساس امروزه، مطابق نظریه‌های توسعه منطقه‌ای نظیر مراکز رشد میسرا، یوفرد^۱ و نظریه‌ی روستا- شهری داگلاس، بسیاری از کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، برای غلبه بر عدم تعادل‌ها، توزیع فضایی مطلوب جمعیت و کاهش قطبی شدن؛ به الگوی غیرمتمرکز توسعه فضایی گرایش پیدا کرده‌اند. الگویی که محور اصلی آن، تقویت و توسعه شهرهای کوچک و میانی است (Misra, 1978: 170-175; Douglass, 1988: Rondinelli and Ruddel, 1978; زبردست، ۱۳۸۳: ۲۴).

در ایران نیز با آغاز مطالعات آمایش سرزمین در سال ۱۳۵۴ (زیاری، ۱۳۷۸: ۲۶۳) زمینه‌های توزیع فضایی مطلوب جمعیت و فعالیت آغاز شد. آنچه که نتایج آن را در قالب سطح گسترش شهرهای کوچک و میانی در استان‌های مختلف کشور می‌توان بررسی نمود. در این راستا، سؤال اصلی پژوهش چنین تعریف گردید: "میزان گسترش شهرهای کوچک و میانی استان‌های کشور در سال ۱۳۸۵ چقدر است؟"

ضرورت و اهداف تحقیق

هدف از این پژوهش و بررسی سؤال فوق، اندازه‌گیری و شناخت تطبیقی میزان گسترش شهرهای کوچک و میانی در استان‌های مختلف کشور می‌باشد. این بررسی از آن جهت که می‌تواند زمینه‌ی ارزیابی سیاست‌های مربوط به توسعه منطقه‌ای و تقویت شهرهای کوچک و میانی و ارائه‌ی راهکارهای لازم را فراهم آورد ضروری است.

مبانی نظری پژوهش

نظریه‌های توسعه‌ی منطقه‌ای در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ تأکید بسیاری بر توسعه‌ی منابع و سرمایه‌گذاری‌های متمرکز برای توسعه‌ی شهری- صنعتی داشتند و مبتنی بر ساز و کار رخنه به پایین و آثار انتشاری

۱- عملکردهای شهری در توسعه روستایی

نشان دهد در کشورهایی که در سطح بالاتری از نظر توسعه‌یافتگی قرار دارند، توزیع شهرها از نظم مطلوب‌تری برخوردار است. در این نظریه‌ها سازمان یافتن اقتصادی و توسعه‌یافتگی را باید در تعادل فضایی و توزیع موزون‌تر جمعیت در سکونتگاه‌های شهری جستجو کرد (مک‌جی، ۱۳۸۳: ۱۱-۱۰).

در واقع، در نیمه‌ی دوم قرن بیستم گرایش خاصی به مطالعه اندازه جمعیت شهرها در قالب نظریه‌ها و استراتژی‌های توسعه‌ی ملی و منطقه‌ای به وجود آمد (حسین‌زاده‌دلیر، ۱۳۷۵: ۳۴). در سال ۱۹۷۵ نیز، فریدمن و داگلاس با طرح نظریه توسعه روستاشهری به نقد راهبرد توسعه منطقه‌ای قطب رشد و صنعتی شدن شتابان پرداختند (اصلانی و جواد، ۱۳۷۳: ۲۲). نظریه‌ای که به توسعه‌ی ناحیه‌ای (ارتباط متقابل مرکز و حوزه نفوذ) و توسعه‌ی یکپارچه روستا و شهر تأکید دارد (Douglass, 1988: 12)

در ادامه، تعدادی از نظریات توسعه‌ی منطقه‌ای بویژه نظریه‌ی یوفرد نیز با دیدگاه فضایی با اصالت دادن به نظام استقرار سکونتگاه‌ها در فرآیند توسعه، میانه‌ای از دو حد تمرکزگرایی و تمرکززدایی را برگزیده و تجمع غیرمتمرکز یا "تمرکززدایی با تجمع" را پیشنهاد کردند. جانسون کلید توسعه روستاها را در وجود شبکه‌ای از شهرهای کوچک که واسط ارتباط با شهرهای بزرگ می‌شوند، دید و به منظور اشاعه‌ی توسعه، اصرار بر یکپارچگی عملکردی این مراکز در سلسله مراتب کشوری داشت. در این الگو، ایجاد شهرهای کوچک در پیوند عملکردی با حوزه‌های روستایی، محور قرار گرفته تا با تنوع بخشیدن به اقتصاد؛ صنعتی کردن، عرضه خدمات پشتیبانی و تجاری کردن کشاورزی، و سرانجام مدیریت توسعه را برآورده سازند (استلاجی، ۱۳۸۱: ۸۰).

در نظریه‌ی مذکور فرض بر این است که شهرک‌ها و شهرهایی که به عنوان بازارهای کشاورزی فعالیت دارند به جهت اینکه خدمات اجتماعی اساسی و امکانات عمومی را

بودند. نتیجه‌ی حاصل عبارت بود از گرایش‌های جانب‌دارانه‌ی شهری در سیاست‌گذاری‌ها و یک ساختار سنگین اداری و برنامه‌ریزی از بالا و فراموشی نسبی مناطق روستایی و روستاییان. آنچه که در نهایت به عدم توازن بین شهر و روستا، مهاجرت غیر قابل کنترل به مناطق شهری، تمرکز صنایع در یک یا چند حوزه، رشد بی‌رویه کلان‌شهرها و فقر پایدار منجر گردید.

به تدریج مجادله‌هایی پیرامون مسائل فوق و علل آنها در کشورهای مختلف مطرح شد و انتقادات شدیدی متوجه راهبردهای متمرکز و از بالا به پایین گردید و در مقابل، دیدگاه توسعه‌ی از پایین به بالا نظرات زیادی را به خود جلب کرد. دیدگاهی که بر یکپارچگی سرزمینی در سطوح خرد، همراه با درجات بیشتری از اتکای به خود و دخالت بیشتر مردم در فرایندهای تصمیم‌گیری در سطوح محلی تأکید می‌کرد. اما پرسش‌هایی نیز مطرح شد به این مضمون که تمرکززدایی کامل برای هیچ ملتی خردمندانه و امکان‌پذیر نخواهد بود. بین‌المللی شدن سرمایه و نفوذ شرکت‌های چندملیتی، توسعه منطقه‌ای را در کلیه کشورها تحت تاثیر قرار خواهد داد و این نیروها مانع از اجرای موفقیت‌آمیز رهیافت‌های پایین به بالا و متکی به خود خواهند شد. دیدگاه سومی نیز به نام برنامه‌ریزی چند سطحی وجود دارد که از ترکیب هر دو راهبرد یاد شده دفاع می‌کند و هدفش یکپارچه کردن کوشش‌های توسعه در سطوح سرزمینی گوناگون است (میسرا، ۱۳۶۸: ۲۹۰-۲۸۸).

در واقع، طی چند دهه‌ی اخیر مفهوم توسعه از انحصار دیدگاه‌های رشد اقتصادی و انگاره‌ی غربی خارج شده است و بر پایه‌ی همه‌سویه‌نگری و کل‌نگری (صرافی، ۱۳۷۷: ۴۰) قرار گرفته است. در همین راستا، در قرن بیستم بویژه نیمه‌ی دوم آن، به عملکرد شهر در نظام سلسله مراتب شهری و جایگاه آن در نظام شهری سرزمین اهمیت داده شد. این ادعا با ارائه‌ی نظریه‌هایی در خصوص کارایی اقتصادی تلاش می‌کرد

شهری، شهرهای متوسط یا میان اندامند که جمعیت آنها از ۵۰ تا ۱۵۰ هزار نفر نوسن دارد (فرید، ۱۳۷۵: ۴۹۱). در ایران، بحث از شهرهای متوسط اولین بار و بطور رسمی در گزارش آمایش سرزمین ستیران در سال ۱۳۵۶ به میان آمد و طبقه‌بندی ۲۵ تا ۲۵۰ هزار نفر جمعیت برای این شهرها برگزیده شد (رجمندی، ۱۳۷۰: ۲۱). در مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین طبقه‌بندی بدین شرح است: ۱- شهرهای کوچک (کمتر از ۵۰ هزار نفر)؛ ۲- شهرهای متوسط کوچک (۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر)؛ ۳- شهرهای متوسط تا بزرگ (۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر)؛ ۴- شهرهای بزرگ میانی (۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر)؛ و ۵- شهرهای بزرگ و بسیار بزرگ (۵۰۰ هزار تا ۲ میلیون نفر) (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۴: ۱۳۶-۱۷).

پیشینه‌ی تحقیق

ایده و موضوع مطالعه‌ی نقاط شهری کوچک و متوسط در دنیای تحقیقات علمی، شاید اولین بار با کار جانسون^۱ (۱۹۷۰) و بحث "مرکز توسعه روستایی" توسط فانل^۲ (۱۹۷۶) آغاز و مطرح گردید که جدیدترین کار در برنامه‌ریزی توسعه‌ی فضایی و منطقه‌ای بود. هنسن^۳ (۱۹۸۲) بر اساس مطالعات متعدد خود، رشد این شهرها در کشورهای در حال توسعه را با توجه به اهمیت منابع انسانی و نیازهای اساسی برای توسعه، راه‌حل مناسبی برای پیشرفت می‌داند (محمدزاده‌ی تیتکانلو، ۱۳۸۱: ۹۲). دسای^۴ (۱۹۸۲) نیز با مطالعه‌ی روند و الگوی شهرنشینی و ارتباط آن با توسعه در کشورهای آسیایی به این نتیجه می‌رسد که شهرهای کوچک و میانی نیازمند توجه در چارچوب استراتژی توسعه که دو عامل زیر را در بر می‌گیرد هستند: رشد جمعیت و ماهیت و میزان سرعت توسعه

برای جمعیت روستایی فراهم می‌آورند و به واسطه‌ی پیوند و ارتباطی که با یکدیگر و با نواحی روستایی اطرافشان دارند، می‌توانند مبنای فیزیکی اسکلت‌بندی شده در جهت توسعه‌ی منطقه‌ای قرار گیرند (رکن‌الدین افشاری و ایزدی خرامه، ۱۳۸۰: ۳۹). در واقع، باید اذعان نمود که گسترش خدمات اساسی و زیربنایی به عنوان یکی از اصولی‌ترین زمینه‌ی توسعه‌ی روستایی است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۰۰). لذا، اعتقاد بر این است که توسعه‌ی روستایی بطور منزوی و جدای از توسعه‌ی شهری حاصل نمی‌شود (Rondinelli, 1983: 119).

به دنبال افزایش مسائل ناشی از رشد شهرگرایی و تمرکز نامطلوب در شهرهای بزرگ، روند برنامه‌ها و مطالعه‌ها به نفع شهرهای میانی و کوچک تغییر یافت (باقری، ۱۳۷۵: ۳۰-۲۹). از این رو، اهمیت شهرهای میانی از دهه‌ی ۱۹۷۰ در برنامه‌ی توسعه و دستورالعمل کار کنفرانس‌های بین‌المللی منعکس گردید (حسین‌زاده‌دلیر، ۱۳۷۵: ۳۴).

اندازه و ویژگی‌های شهرهای کوچک و میانی نیز در هر کشور و منطقه‌ای متفاوت است (مکچی، ۱۳۸۳: ۱۷؛ فنی، ۱۳۸۲: ۱۴؛ زبردست، ۱۳۸۳: ۹). بطوری‌که در سطح کشورها، شهرهایی با جمعیت کمتر از ۵۰۰ هزار نفر و در مقیاس جهانی با جمعیتی بین ۲۰ هزار تا ۲ میلیون نفر به عنوان شهر میانی تعریف شده‌اند. این شهرها به لحاظ عملکردی، آنهایی هستند که حد واسط بین سکونتگاه‌های کوچک و کلان‌شهرها قرار دارند (تقوایی و مختاری، ۱۳۸۳: ۳۵). برای تشخیص شهرهای کوچک از بقیه‌ی گروه‌های شهری نیز معیار ارائه شده توسط سازمان ملل، رقم یکصد هزار نفر سکنه و کمتر از آن است (فنی، ۱۳۸۲: ۱۴).

راندنلی شهرهای بین ۱۰۰ هزار نفر و بالاتر را بدون در نظر گرفتن بزرگترین شهرهای کشور، شهر میانی می‌نامد (Rondinelli, 1983: 47). پیررژ معتقد است که بعد از شهرهای کوتاه اندام در سلسله مراتب

1-Janson
2-Fanel
3-Hansen
4-Desay

(زبردست، ۱۳۸۳: ۲۵). مطابق تحقیقات لاکور و پوسانت نیز خلاقیت در شهرهای کوچک منجر به فرهنگ اقتصادی می‌گردد (6: *Lacour & Puissant, 2009*). نتایج تحقیقات پوسانت و لاکور (۲۰۱۱) در فرانسه نیز نشان داد که برای ورود شهرهای میانی به اقتصاد جدید، تشویق فعالیت‌های خلاقانه و با مهارت بالا حیاتی است (*Puissant & Lacour, 2011: 438*). کواتک (۲۰۱۱) نیز با بررسی موانع و عوامل رشد شهرهای کوچک لهستان بیان می‌دارد که به نظر بدون ابتکار مقامات محلی، امروزه عوامل مثبت به تنهایی برای فعال کردن شهرهای کوچک از نظر اقتصادی کافی نیست (*Kwiatk-Soltys, 2011: 365*).

در ایران نیز در زمینه‌ی نقش شهرهای میانی و کوچک در تعادل‌بخشی به نظام شهری و توسعه‌ی نواحی روستایی پیرامونی، تحقیقات چندی صورت گرفته است، مانند پژوهش‌های اشرف‌السادات باقری (۱۳۷۵)؛ فنی (۱۳۷۵)؛ بابایی‌اقدم (۱۳۷۸)؛ محمدزاده‌تیتکانلو (۱۳۸۱)؛ شکویی و زنگنه (۱۳۸۲)؛ زیاری و تقی‌اقدم (۱۳۸۷)؛ ضرابی و میرنجف موسوی (۱۳۸۸)؛ فضلی (۱۳۹۰). نتایج تحقیقات مذکور در مجموع بیانگر نقش مثبت شهرهای کوچک و میانی است که تحقق کامل آن نیازمند برنامه‌ریزی و توسعه‌ی هوشمندانه و هماهنگ با سیاست‌های توسعه‌ی اجتماعی-اقتصادی و آمایشی است.

فرضیه تحقیق

با توجه به ضرورت‌های تمرکززدایی و توسعه‌ی متوازن منطقه‌ای؛ در دهه‌های اخیر کنترل رشد تهران و تقویت نقش و جایگاه شهرهای میانی و کوچک و حمایت از آنها در اغلب راهبردهای توسعه شهری و آمایش سرزمین مدنظر بوده است. با این حال، به نظر شهرهای کوچک و میانی عمدتاً در پهنه‌هایی از کشور که از شرایط مساعد جغرافیایی یا میزان بیشتر خدمات و امکانات (شکل‌های ۱ و ۲) برخوردارند، فرصت توسعه‌ی

اقتصادی و اجتماعی (زبردست، ۱۳۸۳: ۳۱). راندینلی (۱۹۸۳) با مطالعه‌ی ۳۱ شهر میانی در ۱۷ کشور جهان، نتیجه می‌گیرد که با ظرفیت‌سازی برای رشد شهرهای میانی در قالب شبکه‌ای از شهرهای میانی یکپارچه و تقویت شده، فشارهای جمعیتی بر شهرهای بزرگ کاهش می‌یابد و به درجه‌ای از رشد خواهند رسید که قابل مدیریت باشد (*Randinelli, 1983: 15-32*).

هندرسون^۱ (۱۹۹۷) نیز نقش شهر میانی را در نظام‌های اقتصادی با اشاره به تجربیات کشورهای برزیل، ژاپن، کره جنوبی، آمریکا و دیگر کشورها مورد ارزیابی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که شهرهای میانی تا حدود زیادی، به خصوص در فعالیت‌های تولیدی دارای تخصص هستند و بایستی به مبادله با هم بپردازند (تقی‌اقدم، ۱۳۸۴: ۱۱).

اشمیت و هنری (۲۰۰۰) نیز در بررسی اثرات اندازه و رشد شهرها بر تغییرات جمعیت روستایی و تغییرات اشتغال در فرانسه، نتیجه گرفته‌اند که شهرهای میانی بیشترین اثر مثبت را بر تغییر جوامع روستایی داشته‌اند (*Schmitt & Henry, 2000: 1-21*).

آندرید^۲ (۱۹۸۲) با بررسی شهرهای میانی و کوچک در کشورهای آمریکای لاتین به این نتیجه می‌رسد که الزامات بیشتری لازمند تا سیاست‌های تمرکززدایی موفق شوند. سیاست تمرکززدایی از طریق ارتقا و ترویج توسعه‌ی شهرهای کوچک و میانی، سیاست درازمدتی محسوب می‌شود (زبردست، ۱۳۸۳: ۳۳-۳۲). هیندرینک و تیتوس^۳ (۲۰۰۲) با مطالعه‌ی شهرهای کوچک در چهار منطقه جاوه، مالی، سوازیلند، و مکزیک و ارتباط آن با توسعه منطقه‌ای بیان می‌دارند که شرایط منطقه‌ای در قابلیت ایفای نقش مفید توسعه‌ای توسط شهرهای کوچک بسیار مهم است و نباید به نقش مفید شهرهای کوچک در توسعه‌ی منطقه‌ای و مناطق روستایی پیرامون آنها عمومیت داد

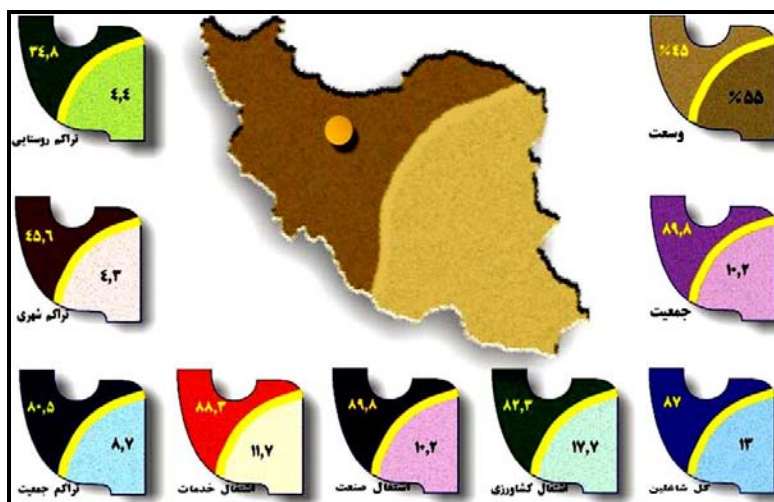
1-Handerson

2-Andreid

3-Hinderink & Titous

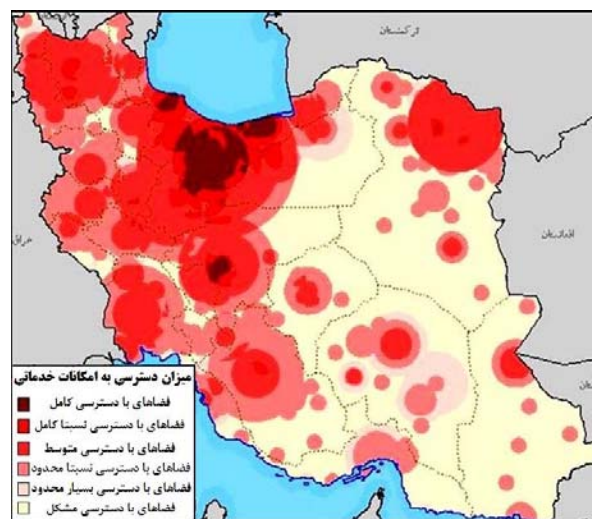
میانی در استان‌های نیمه‌ی شمالی- غربی با استان‌های نیمه‌ی جنوبی- شرقی کشور تفاوت وجود دارد."

بیشتری یافته‌اند؛ یعنی عمدتاً نیمه‌ی شمالی- غربی کشور. بر این اساس، فرضیه‌ی تحقیق بدین شرح تعریف گردید: "میزان گسترش شهرهای کوچک و



شکل ۱: تفاوت فضایی دسترسی به امکانات خدماتی

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۷۸



شکل ۲: تفاوت فضایی دسترسی به امکانات خدماتی

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۷۸

روش تحقیق

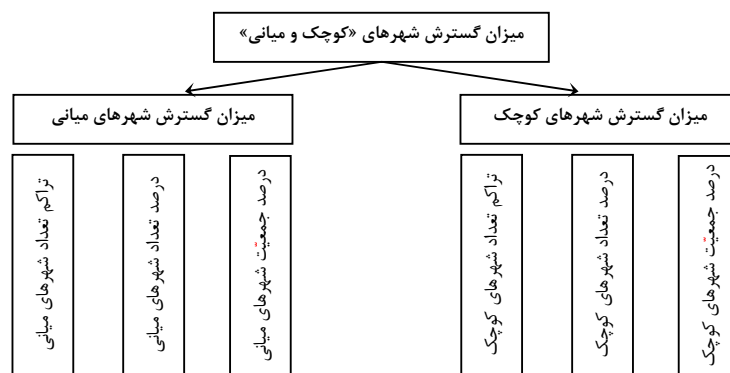
توصیفی- تحلیلی، این متغیر با تعریف دو بعد و شش مؤلفه اصلی (شکل ۳) و با استفاده از روش مجموع ساده‌ی وزین در قالب رابطه‌ی ۱ قابل سنجش شد.

جهت آزمون فرضیه در ابتدا لازم بود که متغیر "میزان گسترش شهرهای کوچک و میانی" تعریف عملیاتی و قابل اندازه‌گیری شود. لذا در چارچوب روش

شهرهای کوچک و میانی، w_i وزن مؤلفه‌ها، L_i مؤلفه‌های بعد شهرهای کوچک از ۱ تا ۳؛ و I_i مؤلفه‌های بعد شهرهای میانی از ۱ تا ۳ می‌باشد.

$$E = \frac{1}{2} \sum_{i=1}^3 w_i L_i + \frac{1}{2} \sum_{i=1}^3 w_i I_i \quad (1)$$

در رابطه ۱، E شاخص میزان گسترش

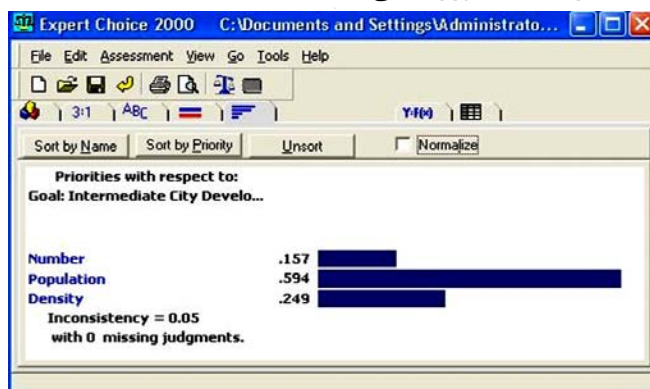


شکل ۳: ابعاد و مؤلفه‌های سنجش میزان گسترش شهرهای کوچک و میانی

مأخذ: مطالعات میدانی نگارنده، ۱۳۹۰

نیز از طریق نرم‌افزار Expert Choice به دست آمد (شکل ۴). پس از سنجش میزان گسترش شهرهای کوچک و میانی برای استان‌های مختلف، جهت تحلیل تفاوت و آزمون فرضیه نیز از روش‌های توصیفی و ترسیم نمودارهای مناسب و نیز آزمون t مستقل استفاده شد.

مطابق تعریف عملیاتی فوق، داده‌های مورد نیاز نیز با روش کتابخانه‌ای به دست آمد. وزن نسبی مؤلفه‌ها نیز از طریق پرسشنامه‌ی خبرگان و روش AHP گروهی به دست آمد. بدین منظور تعداد ۲۰ پرسشنامه بین اساتید دانشگاهی متخصص در زمینه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای توزیع شد که تعداد ۱۴ مورد آن با ضریب ناسازگاری کمتر از ۰/۱ دریافت شد. وزن نهایی



شکل ۴: وزن شاخص‌های سنجش میزان گسترش شهرهای کوچک و میانی^{۲۲}

مأخذ: مطالعات میدانی نگارنده، ۱۳۹۰

۱- در این تحقیق با توجه به نوع مطالعه، دربرگیری استان‌های مختلف کشور و حالت مقایسه‌ای آن، شهر کوچک و میانی بر اساس معیار متداول جمعیتی تعریف و انتخاب شد. بدین صورت که بر پایه‌ی دو پژوهش اصلی یعنی رساله‌های دکتری محمدزاده تبتکانلو (۱۳۸۱) و باقری (۱۳۷۵)؛ و طرح‌های پایه‌ی ستیران (۱۳۵۶) و طرح پایه‌ی آمایش سرزمین (۱۳۶۴) که شهرهای میانی را شهرهایی با جمعیت ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر در نظر گرفته‌اند، در این پژوهش نیز همین تعریف پذیرفته شد. در مورد شهرهای کوچک نیز با توجه به پذیرش تعریف فوق از شهر میانی و این که طرح پایه‌ی ستیران (۱۳۵۶) شهرهای کوچک و میانی را شهرهایی با ۲۵ تا ۲۵۰ هزار نفر تعیین نموده است و نیز پژوهش فنی (۱۳۸۲) که شهرهای کوچک را شهرهایی با جمعیت ۲۵ تا ۵۰ هزار نفر تعریف نموده است؛ شهرهایی با جمعیت بین ۲۵ تا ۱۰۰ هزار نفر به عنوان شهرهای کوچک پذیرفته شد.

۲- با توجه به مشابهت بدست آمدن وزن مؤلفه‌های ذیل بعد شهرهای کوچک و مؤلفه‌های ذیل بعد شهرهای میانی، تنها شکل مربوط به وزن شاخص‌های شهرهای میانی آورده شد (یعنی شکل ۴).

یافته‌ها و آزمون فرضیه

آمده از روش AHP، شاخص‌های ترکیبی "میزان گسترش شهرهای کوچک" و "میزان گسترش شهرهای میانی" به دست آمد. با تلفیق این دو شاخص بر اساس رابطه‌ی ۱، شاخص کلی "سطح گسترش شهرهای کوچک و میانی" استان‌های مختلف کشور محاسبه گردید (جدول ۱).

مطابق روش سنجش تعریف شده، شاخص‌های درصد جمعیت از کل جمعیت شهری، درصد تعداد از کل تعداد شهرها و تراکم تعداد در ۱۰۰۰ کیلومترمربع^۱ برای شهرهای کوچک و میانی هر استان محاسبه شد. در ادامه، از طریق روش ناموزونی موریس، شاخص‌ها نرمال گردید. در نهایت با اعمال وزن‌های به دست

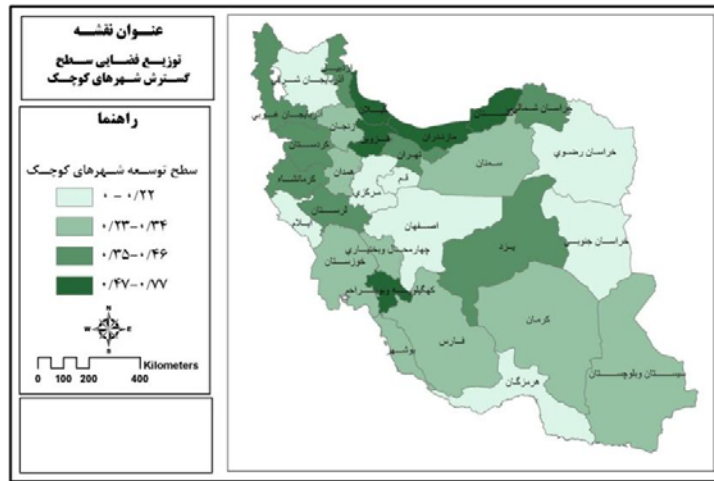
جدول ۱: داده‌ها، شاخص‌ها و سطح توسعه‌ی شهرهای کوچک و میانی استان‌های مختلف کشور^۱

استان	تعداد شهر (سال ۱۳۸۷)	تعداد شهرهای کوچک	تعداد شهرهای میانی	درصد جمعیت شهرهای کوچک از کل شهرها	تراکم شهرهای کوچک (در ۱۰۰۰ کیلومتر مربع)	نرمال درصد جمعیت شهرهای کوچک	درصد جمعیت شهرهای میانی از کل شهرها	تراکم شهرهای میانی (در ۱۰۰۰ کیلومتر مربع)	نرمال درصد جمعیت شهرهای میانی	سطح گسترش	رتبه سطح گسترش
سمنان	۱۷	۲	۲	۱۱/۷۶	۲۱/۸۴	۰/۲۱	۰/۲۱	۵۴/۱۸	۱۱/۷۶	۰/۵۴	۱
مازندران	۵۱	۱۱	۳	۲۱/۵۷	۲۹/۰۷	۰/۵۴	۱/۲۶	۳۶/۷۰	۵/۸۸	۰/۵۳	۲
تهران	۵۵	۱۶	۸	۲۹/۰۹	۷/۱۷	۰/۴۰	۱	۱۲/۴۳	۱۴/۵۵	۰/۵۱	۳
خراسان شمالی	۱۶	۱	۲	۱۲/۵۰	۳۴/۱۷	۰/۴۳	۰/۸	۴۴/۰۲	۶/۲۵	۰/۴۹	۴
آذربایجان غربی	۲۸	۴	۸	۱۲/۰۵	۲۳/۰۲	۰/۷۲	۱/۰۷	۳۳/۲۹	۱۰/۵۳	۰/۴۷	۵
لرستان	۲۳	۵	۲	۲۱/۷۴	۲۸/۰۹	۰/۷۵	۰/۶۷	۳۲/۳۵	۸/۷۰	۰/۴۶	۶
خوزستان	۵۴	۹	۷	۱۶/۶۷	۱۸/۷۷	۰/۵۷	۰/۱۷	۳۵/۱۳	۱۱/۹۶	۰/۴۶	۷
ایلام	۲۰	۲	۱	۱۶/۷۱	۱۰	۰/۹۹	۰/۳۴	۴۶/۸۸	۵	۰/۴۴	۸
کهگیلویه	۱۴	۳	۰	۲۱/۴۳	۷۵/۶۷	۰/۷۴	۱	۰	۰	۰/۳۸	۹
خراسان جنوبی	۲۱	۱	۱	۴/۷۶	۹/۹۴	۰/۱۰	۰/۱۳	۴۸/۲۹	۴/۷۶	۰/۳۸	۱۰
گلستان	۲۵	۷	۱	۲۸	۳۰/۱۲	۰/۹۶	۰/۱۶	۱۵/۹۹	۴/۷۶	۰/۳۸	۱۱
بوشهر	۳۹	۱	۳	۱۰/۳۴	۳۱/۷۳	۰/۳۶	۰/۳۲	۲۸	۳/۴۵	۰/۳۸	۱۲
چهارمحال	۲۷	۳	۳	۱۱/۱۱	۲۳/۵۶	۰/۳۸	۰/۲۲	۲۸/۶۶	۳/۷۰	۰/۳۶	۱۳
کردستان	۲۳	۵	۱	۲۱/۷۴	۳۷/۴۰	۰/۷۵	۰/۲۰	۱۵/۳۵	۴/۳۵	۰/۳۶	۱۴
گیلان	۴۹	۸	۱	۱۶/۳۳	۳۷/۲۶	۰/۵۶	۰/۶۷	۷/۴۷	۲/۰۴	۰/۳۲	۱۵
اصفهان	۹۶	۱۲	۵	۱۲/۵۰	۱۵/۳۷	۰/۴۳	۰/۱۳	۲۳/۹۰	۵/۲۱	۰/۳۰	۱۶
همدان	۳۷	۴	۱	۱۴/۸۱	۱۹/۷۱	۰/۵۱	۰/۲۴	۱۵/۶۸	۳/۷۰	۰/۲۸	۱۷
کرمان	۵۹	۷	۲	۱۱/۸۶	۲۴/۰۲	۰/۳۹	۰/۴۱	۱۹/۵۴	۳/۳۹	۰/۲۷	۱۸
مرکزی	۲۹	۳	۱	۱۰/۳۴	۱۴/۰۸	۰/۳۶	۰/۱۲	۱۹/۲۱	۳/۴۵	۰/۲۵	۱۹
قزوین	۲۵	۵	۰	۲۰	۳۶/۱۴	۰/۶۹	۰/۳۸	۰	۰	۰/۲۴	۲۰
سیستان	۳۶	۱	۵	۱۳/۸۹	۲۶/۳۶	۰/۲۸	۰/۳	۱۰/۹۵	۲/۷۸	۰/۲۳	۲۱
کرمانشاه	۲۸	۷	۰	۲۸	۲۸/۲۰	۰/۸۶	۰/۳۳	۰	۰	۰/۲۲	۲۲
خراسان رضوی	۶۹	۳	۹	۱۳/۰۴	۱۲/۷۳	۰/۷۶	۰/۱۷	۱۴	۴/۳۵	۰/۲۱	۲۳
فارس	۷۸	۱۱	۲	۱۴/۱۰	۲۲/۵۷	۰/۹۰	۰/۳۰	۸/۵۵	۲/۵۶	۰/۲۱	۲۴
اردبیل	۳۲	۴	۰	۱۸/۱۸	۲۹/۳۴	۰/۶۳	۰/۳۹	۰	۰	۰/۲۰	۲۵
یزد	۲۴	۶	۰	۳۵	۲۸/۵۱	۰/۴۶	۰/۳۸	۰	۰	۰/۱۹	۲۶
زنجان	۱۷	۳	۰	۱۷/۶۵	۲۵/۸۲	۰/۶۱	۰/۳۴	۰	۰	۰/۱۷	۲۷
آذربایجان شرقی	۵۸	۷	۲	۱۲/۰۷	۱۲/۹	۰/۳۹	۰/۴۱	۱۰/۸۵	۳/۴۵	۰/۱۶	۲۸
هرمزگان	۲۶	۳	۰	۱۱/۵۴	۱۶/۶۳	۰/۴۲	۰/۲۲	۰	۰	۰/۱۰	۲۹
قم	۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳۰

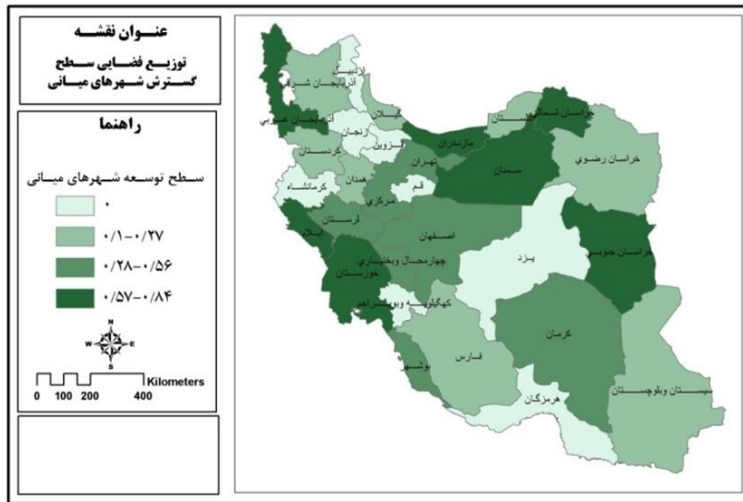
مأخذ: مطالعات میدانی نگارنده، ۱۳۹۰

از وضع بهتری برخوردار است (شکل ۵). حداقل و حداکثر شاخص "سطح گسترش شهرهای میانی" نیز به ترتیب مربوط به استان قم و استان سمنان می‌باشد که تا حدودی تفوق پهنه‌های شمالی- غربی کشور را نشان می‌دهد (شکل ۶).

مقادیر شاخص‌های مذکور که در مقیاسی از صفر تا ۱ تعریف شده، در استان‌های مختلف متفاوت است. شاخص "سطح گسترش شهرهای کوچک" (با حداقل صفر در استان قم و حداکثر ۰/۷۷ در استان کهگیلویه...)، عمدتاً در استان‌های شمالی- شمال غربی



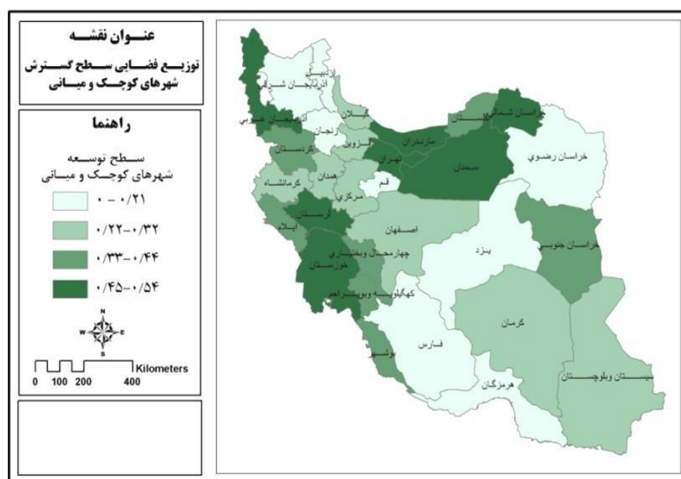
شکل ۵: تفاوت استان‌های مختلف از نظر سطح گسترش شهرهای کوچک
 مأخذ: مطالعات میدانی نگارنده، ۱۳۹۰



شکل ۶: تفاوت استان‌های مختلف از نظر سطح گسترش شهرهای میانی
 مأخذ: مطالعات میدانی نگارنده، ۱۳۹۰

شاخص کلی مذکور، نشان می‌دهد که عمدتاً استان‌های شمالی- غربی کشور از وضعیت و مقدار بالاتری نسبت به پهنه‌ی شرقی- جنوبی برخوردارند (شکل ۷).

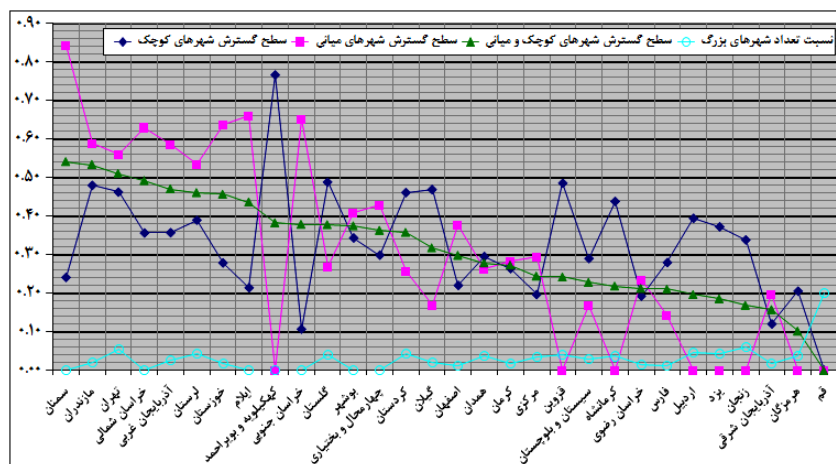
شاخص کلی "سطح گسترش شهرهای کوچک و میانی" نیز دارای کمترین مقدار در استان قم و بیشترین مقدار در استان سمنان می‌باشد. تغییرات



شکل ۷: تفاوت استان‌های مختلف از نظر سطح گسترش شهرهای کوچک و میانی
 مأخذ: مطالعات میدانی نگارنده، ۱۳۹۰

مقایسه‌ی دقیق‌تر پهنه‌ی غربی- شمالی با پهنه‌ی شرقی- جنوبی، از طریق مقایسه‌ی میانگین شاخص استان‌های واقع در این پهنه‌ها مقدور می‌باشد. نتایج این مقایسه مطابق جدول ۲، نشان داد که میانگین هر سه شاخص مورد نظر در استان‌های غربی- شمالی از استان‌های شرقی- جنوبی بیشتر است و استان‌های غربی- شمالی کشور از وضعیت مطلوب‌تری برخوردارند که همسو با فرضیه‌ی تحقیق می‌باشد.

جهت مقایسه‌ی بهتر وضعیت استان‌ها، نمودار تغییرات استانی سه شاخص مذکور در شکل ۸ ارائه گردید. مطابق آن، بالاترین میزان شاخص کلی "گسترش شهرهای کوچک و میانی" به ترتیب مربوط به استان‌های سمنان، مازندران و تهران می‌باشد که همه در نیمه‌ی غربی- شمالی کشور قرار دارند. پایین‌ترین میزان نیز به ترتیب مربوط به استان‌های قم، هرمزگان و آذربایجان شرقی است که دو مورد اول در نیمه‌ی جنوبی- شرقی کشور قرار دارند.



شکل ۸: نمودار مقایسه‌ای شاخص‌های گسترش شهرهای "کوچک"، "میانی" و "کوچک و میانی"
 مأخذ: مطالعات میدانی نگارنده، ۱۳۹۰

جدول ۲: مقایسه‌ی استان‌های غربی - شمالی با استان‌های شرقی - جنوبی از نظر شاخص‌های سه‌گانه

سطح گسترش شهرهای کوچک	سطح گسترش شهرهای میانی	سطح گسترش شهرهای کوچک و میانی	گروه استان‌ها	
۰/۳۵۲۶	۰/۳۳۵۲	۰/۳۴۳۵	میانگین	استان‌های غربی - شمالی
۰/۱۵۶۵۳	۰/۲۶۲۱۹	۰/۱۳۸۶۸	انحراف معیار	
۰	۰	۰	حداقل	
۰/۷۷	۰/۸۴	۰/۵۴	حداکثر	
۰/۲۴۴۳	۰/۲۱۰۰	۰/۲۲۷۱	میانگین	استان‌های شرقی - جنوبی
۰/۰۸۳۲۴	۰/۲۲۱۲۱	۰/۰۸۴۹۹	انحراف معیار	
۰/۱۱	۰	۰/۱	حداقل	
۰/۳۷	۰/۶۵	۰/۳۸	حداکثر	
۰/۳۲۷۳	۰/۳۰۶۰	۰/۳۱۶۳	میانگین	کل
۰/۱۴۸۹۷	۰/۲۵۵۳۰	۰/۱۳۶۳۴	انحراف معیار	
۰	۰	۰	حداقل	
۰/۷۷	۰/۸۴	۰/۵۴	حداکثر	

مأخذ: مطالعات میدانی نگارنده، ۱۳۹۰

شرقی - جنوبی در هر سه شاخص مورد نظر؛ آزمون تفاوت میانگین بر اساس برابری واریانس مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج آزمون t مستقل نیز معناداری این تفاوت را تأیید نمود (جداول ۳ و ۴). مطابق آن، با توجه به برابری واریانس استان‌های غربی - شمالی با استان‌های

جدول ۳: آماره‌های گروهی t استیودنت استان‌های غربی - شمالی با استان‌های شرقی - جنوبی

Std. Error Mean	Std. Deviation	Mean	تعداد استان‌ها	گروه	شاخص‌ها
۰/۰۳۲۶۴	۰/۱۵۶۵۳	۰/۳۵۲۶	۲۳	استان‌های غربی - شمالی	سطح گسترش
۰/۰۳۱۴۶	۰/۰۸۳۲۴	۰/۲۴۴۳	۷	استان‌های شرقی - جنوبی	شهرهای کوچک
۰/۰۵۴۶۷	۰/۲۶۲۱۹	۰/۳۳۵۲	۲۳	استان‌های غربی - شمالی	سطح گسترش
۰/۰۸۳۶۱	۰/۲۲۱۲۱	۰/۲۱۰۰	۷	استان‌های شرقی - جنوبی	شهرهای میانی
۰/۰۲۸۹۲	۰/۱۳۸۶۸	۰/۳۴۳۵	۲۳	استان‌های غربی - شمالی	سطح گسترش
۰/۰۳۲۱۲	۰/۰۸۴۹۹	۰/۲۲۷۱	۷	استان‌های شرقی - جنوبی	شهرهای کوچک و میانی

مأخذ: مطالعات میدانی نگارنده، ۱۳۹۰

جدول ۴: آزمون t برای میانگین استان‌های غربی - شمالی با استان‌های شرقی - جنوبی

t-test for Equality of Means						Levene's Test For Equality of Variances				
95% Confidence Interval of the Difference		Std. Error Difference	Mean Difference	Sig. 2-tailed	df	t	Sig.	F		
Upper	Lower									
۰/۲۳۵۶۵	-۰/۰۱۹۰۱	۰/۰۶۲۱۶	۰/۱۰۸۳۲	۰/۰۹۲	۲۸	۱/۷۴۳	۰/۲۱۰	۱/۶۴۹	Equal variances assumed	سطح گسترش
۰/۲۰۲۹۹	-۰/۰۱۳۶۵	۰/۰۴۵۳۳	۰/۱۰۸۳۲	۰/۰۲۷	۱۹/۶۵۶	۳/۳۸۹			Equal variances not assumed	شهرهای کوچک
۰/۳۴۹۷۸	-۰/۰۹۹۳۵	۰/۱۰۹۶۳	۰/۱۲۵۲۲	۰/۲۶۳	۲۸	۱/۱۴۲	۰/۲۱۸	۱/۵۸۸	Equal variances assumed	سطح گسترش
۰/۳۴۳۶۱	-۰/۰۹۳۱۷	۰/۰۹۹۹۰	۰/۱۲۵۲۲	۰/۲۳۵	۱۱/۶۴۷	۱/۲۵۳			Equal variances not assumed	شهرهای میانی
۰/۲۳۰۴۶	۰/۰۰۲۲۱	۰/۰۵۵۷۲	۰/۱۱۶۳۴	۰/۰۴۶	۲۸	۲/۰۸۸	۱/۵۸۸	۳/۰۷۷	Equal variances assumed	گسترش شهرهای
۰/۲۰۷۶۶	۰/۰۲۵۰۱	۰/۰۴۳۲۲	۰/۱۱۶۳۴	۰/۰۱۶	۱۶/۶۷۷	۲/۶۹۲			Equal variances not assumed	کوچک و میانی

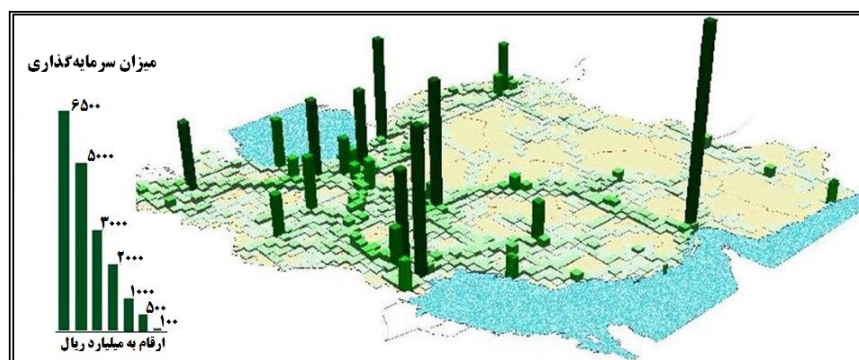
مأخذ: مطالعات میدانی نگارنده، ۱۳۹۰

سرمایه‌گذاری‌ها در قطب ملی و قطب‌های منطقه‌ای در طی برنامه‌های توسعه آن هم در مناطق مستعد طبیعی و منطقه‌ای، و عمدتاً مطابق تئوری‌های قطب رشد و رشد اقتصادی، ابتدا باعث تمرکز جمعیت و شهرنشینی شدید گردید. در ادامه به نوعی بسط خدمات و امکانات در کنار استعدادهای طبیعی منجر به گسترش بیشتر شهرهای کوچک و میانی در پهنه‌ی غربی - شمالی کشور شده است. این نتایج بیانگر وابستگی برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری‌های کشور بر مناطق مستعد و موفقیت کمتر در آمایش بهینه‌ی فضای جغرافیایی کشور و استفاده از ظرفیت‌های سایر پهنه‌های جغرافیایی بخصوص پهنه‌ی شرقی - جنوبی می‌باشد. بنابراین عدم تعادل این دو نیمه‌ی کشور هم از نظر خدمات و سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی وجود دارد و هم از نظر رشد و گسترش شبکه‌ی شهرهای کوچک و میانی.

مطابق نتایج آزمون t مستقل، فرضیه‌ی تحقیق مبنی بر تفاوت میانگین شاخص کلی "سطح گسترش شهرهای کوچک و میانی" استان‌های غربی - شمالی با استان‌های شرقی - جنوبی تأیید شد. در این بررسی، تفاوت معناداری در دو شاخص دیگر به دست نیامد. در مجموع بر اساس تفاوت معنادار شاخص کلی بین استان‌های موردنظر، فرضیه‌ی تحقیق با سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید شد.

نتیجه

با توجه به نتایج بررسی و آزمون فرضیه، توسعه‌ی بیشتر شهرهای کوچک و میانی در نیمه‌ی غربی - شمالی کشور علاوه بر شرایط و مساعدت‌های جغرافیایی، به الگوی سرمایه‌گذاری و توزیع جغرافیایی و منطقه‌ای خدمات و زیرساخت‌های اصلی توسعه نیز در کشور بر می‌گردد. آنچه که شکل‌های ۱ و ۲ در فوق و نیز شکل ۹ در ذیل مؤید آن است. بر این اساس، توسعه و تمرکز

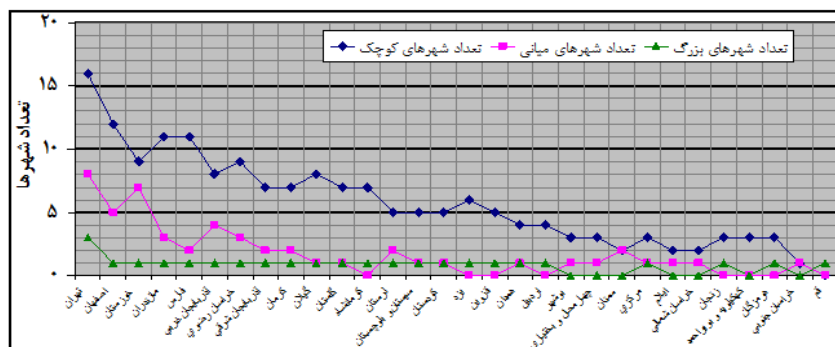


شکل ۹: سرمایه‌گذاری زیربنایی - مربع‌های ۲۵ در ۲۵ کیلومتر

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۷۸

کوچک و میانی در کشور می‌باشد. مقایسه‌ی تعداد شهرهای کوچک، میانی و بزرگ استان‌های مختلف کشور نیز می‌تواند سطح توسعه شهرهای کوچک و میانی را روشن‌تر سازد. مطابق (شکل ۱۰) در ذیل، تعداد هفت استان فاقد شهر بزرگ (بالای ۲۵۰ هزار نفر) هستند، شامل: استان‌های بوشهر، چهارمحال بختیاری، سمنان، ایلام، خراسان شمالی، کهگیلویه و بویر احمد و خراسان جنوبی. همچنین تعداد هفت استان نیز فاقد شهر میانی (بین ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر) هستند، شامل: کرمانشاه، یزد، قزوین، اردبیل، زنجان، هرمزگان و قم. استان قم نیز تنها استانی است که فاقد شهرهای کوچک می‌باشد. استان کهگیلویه و بویراحمد نیز تنها استانی است که فاقد هر دو شهر میانی و بزرگ می‌باشد.

البته باید توجه داشت که هر چند رشد و گسترش شهرهای کوچک و میانی در نیمه‌ی غربی - شمالی بیشتر است ولی در این نیمه نیز این شهرها از گسترش همه‌جانبه‌ای برخوردار نیستند. اندازه‌ی شاخص‌های سه‌گانه‌ی محاسبه شده نیز مؤید این امر می‌باشد. بطوری‌که بطور مثال، شاخص کلی "سطح گسترش شهرهای کوچک و میانی" در بهترین حالت برابر با اندازه‌ی ۰/۵۴ می‌باشد که تا مقدار نهایی یعنی ۱ فاصله‌ی قابل توجهی دارد. میانگین ملی سه شاخص تعریف شده، یعنی شاخص "سطح گسترش شهرهای کوچک"، "سطح گسترش شهرهای میانی" و شاخص کلی "سطح گسترش شهرهای کوچک و میانی" به ترتیب برابر با ۰/۳۳، ۰/۳۱ و ۰/۳۲ می‌باشد که از حد متوسط نیز فاصله قابل توجهی دارد. نتایج مذکور به نوعی بیانگر سطح پایین و نامطلوب توسعه‌ی شهرهای

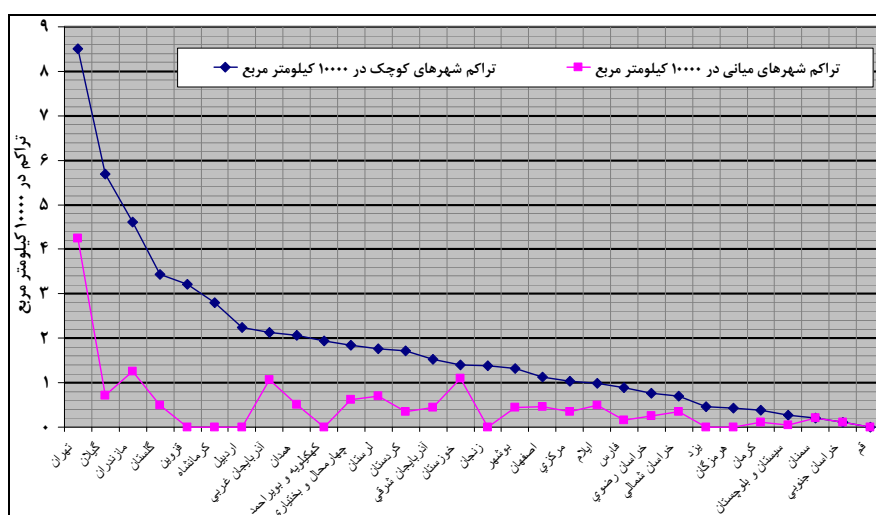


شکل ۱۰: مقایسه‌ی تعداد شهرهای کوچک، میانی و بزرگ در استان‌های مختلف کشور

مأخذ: مطالعات میدانی نگارنده، ۱۳۹۰

توجهی باشد. مطابق شکل ۱۲ در ذیل، استان‌های تهران، گیلان و مازندران بهترین وضعیت را دارند و استان‌های قم، خراسان جنوبی و سمنان، بدترین وضعیت را دارا می‌باشند. همچنین، اغلب استان‌ها، تراکم کمتر از ۲ را در ۱۰۰۰۰ کیلومترمربع نشان می‌دهند که وضعیت مطلوبی نمی‌باشد. جالب اینکه، استان سمنان که بالاترین اندازه را از نظر شاخص کلی "سطح گسترش شهرهای کوچک و میانی" دارد از نظر شاخص تراکم تعداد در واحد سطح، جزو سه استان دارای نامطلوب‌ترین وضعیت است.

در واحد سطح است. این شهرها برای عملکرد مناسب و پوشش مطلوب ناحیه‌ای بایستی از تراکم و نیز توزیع فضایی مناسبی برخوردار باشند. بطور مثال از هر نقطه از منطقه یا استان حداکثر با فاصله ۵۰ تا ۱۰۰ کیلومتر باید به شهر میانی دسترسی داشت. یا حداکثر با فاصله ۲۵ تا ۵۰ کیلومتر باید به شهر کوچک دسترسی داشت. لذا تراکم در واحد سطح نیز شاخصی قابل توجه در سنجش میزان گسترش شهرهای کوچک و میانی است. مقایسه‌ی استان‌ها از نظر تراکم تعداد شهرهای کوچک و میانی نیز می‌تواند حاوی نکات قابل



شکل ۱۲: مقایسه‌ی تراکم تعداد شهرهای کوچک و میانی استان‌های مختلف کشور در واحد سطح

مأخذ: مطالعات میدانی نگارنده، ۱۳۹۰

فضایی و نیز سهم جمعیتی مناسب نیازمند هماهنگی سیاست‌های توسعه‌ی فضایی با سیاست‌های اجتماعی-اقتصادی، فعالیت‌های خلاقانه، ابتکارات مقامات محلی و نیز مشوق‌های لازم و درازمدت، در کنار قابلیت‌های مثبت منطقه‌ای و محیطی می‌باشد.

بنابراین در مجموع، برای سنجش و درک سطح گسترش شهرهای کوچک و میانی لازم است که شاخص‌های تعداد، جمعیت، تراکم و توزیع فضایی شهرها را مورد توجه قرار داد. همچنین، گسترش شهرهای کوچک و میانی از نظر تعداد، تراکم و توزیع

منابع

- ابراهیمزاده، عیسی (۱۳۷۶). راهبردهای رشد و... توسعه روستایی در سیستان، مجله علوم انسانی. دانشگاه سیستان و بلوچستان. بهار و تابستان. شماره ۴.
- ارجمندنی، اصغر (۱۳۷۰). نقش شهرهای میانه در نظام اسکان جمعیت، ماهنامه علمی- ترویجی اطلاعات سیاسی- اقتصادی، مؤسسه اطلاعات. شماره ۲۹.
- استلاجی، علیرضا (۱۳۸۱). بررسی و تحلیل رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی- ناحیه‌ای، نشریه جهاد. شماره ۲۵۲.
- اصلانی، رضا؛ علی‌اصغر جواد (۱۳۷۳). برنامه‌ریزی توسعه‌ی فضایی شهرستان بیجار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی. تهران. دانشگاه شهید بهشتی.
- امکچی، حمیده (۱۳۸۳). شهرهای میانی و نقش آنها در چارچوب توسعه‌ی ملی، تهران. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری. چاپ اول.
- بابایی‌اقدم، فریدون (۱۳۷۸). نقش شهرهای میانه‌اندام در توسعه‌ی فضایی استان آذربایجان شرقی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.
- باقری، اشرف‌السادات (۱۳۷۵). نقش شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای، رساله دکترا. دانشگاه تربیت مدرس.
- تقوایی، مسعود؛ رضا مختاری‌ملک‌آبادی (۱۳۸۳). مدیریت شهری در شهرهای متوسط، ماهنامه شهرداری‌ها. شماره ۶۱. با محوریت: برنامه چهارم توسعه و مدیریت شهری.
- تقی‌اقدم، جعفر؛ کرامت‌اله زیاری (۱۳۸۷). عملکرد شهر میانی خوی در توسعه‌ی فضایی استان آذربایجان غربی، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی. شماره ۶۳.
- حسامیان، فرخ؛ گیتی اعتماد؛ محمدرضا حائری (۱۳۷۷). شهرنشینی در ایران، چاپ سوم. تهران. انتشارات آگاه.
- حسین‌زاده‌دلیر، کریم (۱۳۷۵). تئوری‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تبریز. دانشگاه آزاد اسلامی.
- دراکاکیس-اسمیت، دیوید (۱۳۷۷). شهر جهان سومی، ترجمه فیروز جمالی. چاپ اول. تهران. نشر توسعه.
- راندینلی، دنیس (۱۳۶۸). ویژگی‌های جمعیتی شهرهای متوسط، ترجمه مجید محمدی. معماری و شهرسازی. شماره ۱۲.
- رئیس‌دانا، فریبرز (۱۳۸۱). اقتصاد سیاسی توسعه، چاپ اول. تهران. نگاه.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ حسن‌ایزدی خرامه (۱۳۸۰). تحلیلی بر رویکردهای مکانیابی و توزیع خدمات در مناطق روستایی: بررسی تطبیقی رویکرد کارکردهای شهری در توسعه‌ی روستایی (UFRD) و مدل‌های تخصیص مکانی (LA)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۱۳، شماره ۳.
- روزبهان، محمود (۱۳۷۹). مبانی توسعه اقتصادی، چاپ هفتم. تهران. انتشارات تابان.
- زبردست، اسفندیار (۱۳۸۳). اندازه‌ی شهر، چاپ اول. تهران. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
- زیاری، کرامت‌اله (۱۳۷۸). اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، چاپ اول. دانشگاه یزد.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۴). مطالعات طرح آمایش سرزمین جمهوری اسلامی ایران، جلد سوم. بخش جمعیت و جوامع. دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای. تهران.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۷۸). مطالعات آمایش سرزمین در بعد ملی، دفتر آمایش و برنامه‌ریزی منطقه‌ای.
- شکویی، حسین؛ یعقوب زنگنه (۱۳۸۲). تحلیل تحولات بازار نیروی کار شهرهای میانی کشور در فاصله سال‌های ۷۵-۱۳۳۵، تحقیقات جغرافیایی. شماره ۶۸.
- شکویی، حسین (۱۳۷۳). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، چاپ اول. تهران. سمت.
- صرافی، مظفر (۱۳۷۷). مبانی برنامه‌ریزی توسعه‌ی منطقه‌ای، سازمان برنامه و بودجه.

- ضرابی، اصغر؛ میرنجف موسوی (۱۳۸۸). بررسی کارکرد شهرهای کوچک در نظام شهری و توسعه منطقه‌ای: مطالعه موردی استان یزد، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی. شماره ۳۴.
- فرید، یدالله (۱۳۷۵). جغرافیا و شهرشناسی، دانشگاه تبریز. چاپ چهارم.
- فضلی، محدثه (۱۳۹۰). نقش شهر میانی سیرجان در سازماندهی نظام شهری استان کرمان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور. مرکز رضوانشهر.
- فنی، زهره (۱۳۸۲). شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای، تهران. انتشارات سازمان شهرداری‌ها کشور.
- فنی، زهره (۱۳۷۵). نقش شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای؛ مورد استان خوزستان، رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.
- گیلبرت، الن؛ جوزف گالگر (۱۳۷۵). شهرها، فقر و توسعه، ترجمه پرویز نوروزی. تهران. انتشارات آیدین.
- محمدزاده تیتکانلو، حمیده (۱۳۸۱). تبیین نقش شهر میانی در توسعه فضایی منطقه (مورد؛ بجنورد)، رساله دکتری. دانشگاه تهران.
- میسرا، آر. پی (۱۳۶۸). توسعه منطقه‌ای: روش‌های نو؛ ترجمه‌ی عباس مخبر. سازمان برنامه و بودجه.
- نظریان، اصغر (۱۳۸۸). پویایی نظام شهری ایران، چاپ اول. تهران. مبتکران.

